

ادامه سرمقاله

یعنی نیروهای دموکرات در کنار طیف ستی و نیروهای ارتدوگر در کنار طیف مدرن قرار می‌گیرند.
ماجرای ورود زنان به ورزشگاه‌ها از این دسته حوادث بدیع است.
۱- شکاف سنت/ مدرنیته: ورود زنان به ورزشگاه‌ها در اولین نگاه، ماجرای است که در آن نیروهای مدرن جامعه سعی دارند تابویی سنتی را بشکنند و به خواستی که آن را حق خویش می‌دانند، دست یابند.
شعار «حق من، نیمی از آزادی» نماد این خواست است (و البته در اینجا منظور از «آزادی»، استادیوم صدهزار نفری آزادی است که مسابقات اصلی فوتبال در آن انجام می‌شود).
این خواست البته در سال‌های پیش هم وجود داشته است. دختران جوانی که اینک به نمادی از رشد، تحصیلات، آگاهی و تنوع طلبی جامعه ایران تبدیل شده‌اند، و در کنار همه خواست‌های چالش‌برانگیز خود، چند سالی است ورود به ورزشگاه‌ها و تشویق تیم‌های مورد علاقه خویش (و به ویژه تیم ملی فوتبال کشور) را نیز می‌خواهند.
این خواست اما با مقاومت بخش سنتی جامعه همراه است. بخشی از این مقاومت، ناشی از فضای ورزشگاه‌ها است. ناسازهای خرد و کلانی که به تیراز چندزراتیایی منتشر می‌شوند، نقل و نبات این محافل است و اگر نباشد صدای مهیب تیر و واژزنجه‌ها، کمتر دقیقه و لحظه‌ای از بازی را می‌توان تصور کرد که چنین صدایی در ورزشگاه‌ها شنیده نشود.
اما آنچه در جریان اعتراضات اخیر دیده شد، به این هانهجاری اجتماعی بازنمی‌گشت. متن فتاوا و سخنان مراجع تقلید حکایت از آن دارد که از آنان از دیدگاه فقه سنتی، به این امر اعتراض دارند و آن را با مناسبات شرعی میان زن و مرد در تعارض می‌بینند.
از این رو است که موضوع اختلاف نه مسئله‌ای اجتماعی (ناهنجاری در فتاوا و ورزشگاه‌ها) که مسئله‌ای شرعی است.
چرا که اگر موضوع اختلاف، صرفاً هانهجاری‌های درون ورزشگاه‌ها بود، می‌شد استدلال آورد که حضور زنان و دختران در این اماکن، احتمالاً نوعی تلطیف فضا و کاستن از حجم ناسازها را به همراه دارد، چنانکه اغلب لطیفه‌های آنچنانی مردانه در نزد زنان گفته نمی‌شود و یا دست‌کم، در نزد هر زنی گفته نمی‌شود!
اما در این مورد که مسئله شرعی مطرح شده، بحث پیچیده‌تر است و از سطح یک مسئله اجتماعی به یک «شکاف» اجتماعی ارتقا یافته است.
مسئله آنکه حادتر و پیچیده‌تر شد که احمدی‌نژاد به عنوان رئیس «دولت اسلامی»، فرمانی داد که از نظر مراجع غیراسلامی بود و به جای ارزش‌های دینی، مصلحت‌های سیاسی را در اولویت قرار داده بود.

۲- شکاف دموکراسی / آمریت:
اما آنچه در ظاهر مسئله چندان هویدا نیست، فعال بودن شکاف عمده دیگر در این ماجراست که می‌تواند حول مسئله دموکراسی شکل گیرد.
در مورد میزان فعال بودن این شکاف البته ابهام وجود دارد. فرجامی که این ماجرا می‌یابد و پاسخی که به اعتراضات مراجع داده خواهد شد، این ابهام را می‌کاهد.
با این حال، آنچه در این بخش می‌توان به عنوان یک اصل کلی گفت آن است که نهاد مرجعیت با وجود آنکه- چژه نهاد‌های محافظه‌کار جامعه شناخته می‌شود و عموم کارکردهای آن، دفاع از سنت (به عنوان یکی از پایگاه‌های وضع موجود است)، اما در صف ارتقا یافته است.
مسئله آنکه حادتر دموکراسی، فی نفسه جزء مهمی از آنها نیست.
در این زمینه، تقسیم‌بندی غالب تصویری سه‌گانه از نهاد روحانیت و مرجیت ارائه می‌دهد: روحانیون نواندیش (که عموماً هوادار دموکراسی هستند)، روحانیون بنیادگرا (که مخالف دموکراسی هستند) و روحانیت سنتی (که در برابر شکاف دموکراسی و آمریت، لاقضااست و دفاع از کلیت شریعت را هدف و وظیفه خویش می‌داند).
دو دسته نخست، در مداخلات سیاسی سده اخیر فعال بوده‌اند و دسته سوم، تا نواسته خویش را از سیاست کنار نگاه داشته و جز به زیان فقه و از جایگاه حوزه سخن نگفته است.
با این حال، نهاد روحانیت و به ویژه مرجعیت، در جامعه ایران نقش و کارکردی ویژه دارد که حتی روحانیت سنتی را از تحولات حوزه قدرت مبرا نگاه نمی‌دارد.
در این کارکرد، نهاد مرجعیت ملجأ و پناه ستم‌پدگان و مظلومان است.
آنجا که وقتی فرد عام از قدرت آسیب می‌بیند، به آن پناه می‌برد و از آن کمک می‌خواهد.
البته با قرار گرفتن جامعه ایرانی در معرض مدرنیته و نیز بر اثر تحولات تاریخی و سیاسی، این جایگاه نسبت به دوران سنت تغییر کرده است.
اکنون نهادهای مختلف مدنی از NGOها، مطبوعات، سندیکاها و احزاب مدنی گرفته تا نهادهای بین‌المللی (چون سازمان جهانی کار ILO) وجود دارند که هر شهروندی می‌تواند شکایات خود را به آن ببرد.
اما وضعیت در حال گذار جامعه ایران چنان است که گرچه نهاد مرجعیت آن پناهگاه یگانه پیشین نیست، اما نهادهای تازه به میدان آمده هم چنان قدرت و اعتباری نیافته‌اند تا اعتماد و به‌ویژه تأثیر لازم را به جای گذارند.
در این شرایط تضعیف نهاد مرجعیت به عنوان یک نهاد و پایگاه اجتماعی به هر دلیل که صورت گیرد و هر عاملی که در آن صورت باشد، رخدادی است به ضرر پروسه دموکراتیزاسیون.
این وضعیت است که نگرانی درباره تضعیف نهاد مرجعیت را می‌تواند به عنوان دغدغه‌ای برای نیروهای هوادار دموکراسی مطرح سازد و آنان را در چالش شکل شکل لازم، لاقضا و بی‌طرف قرار ندهد.

■ ■ ■

اما در این میان چه باید کرد؟ پاسخ به این پرسش، با توجه به ابهامات فراوان ماجرا و نیز شکل‌گیری جغرافیایی عجیب در عرصه سیاسی- اجتماعی ایران دشوار است.
اما در این میان به‌نظر می‌رسد نیروهای هوادار دموکراسی وظیفه‌ای مهم برعهده دارند.
این نیروها اگر خواستار آن باشند که دو گذار اصلی جامعه ایران یعنی «سنت به مدرنیته» و «آمریت به دموکراسی» با کمترین هزینه و آسیب اجتماعی همراه باشد، ناچار از گفت‌وگو با بخش‌های سنتی جامعه هستند.
دموکراسی خواهان ضرورات دارد با لحاظ داشتن حق شهروندی زنان ایرانی (به عنوان یک خواست مدرن) از دغدغه‌های روحانیت و مرجعیت (به عنوان نماینده سنت) هم مطلع شوند و آن را محترم دارند.
این رویکرد دوجانبه، نیازمند گفت‌وگو است.
گفت‌وگویی که به عنوان یکی از ابزارهای اصلی دموکراسی خواهان شناخته می‌شود و حتی مبنای راه‌ای الگوهای دموکراسی خواهی است.
در واقع در اینجا «گفت‌وگو با سنت» برای تغییر مناسبات کهنه به عنوان استراتژی بدیل «رویکردهای آمرانه» مطرح می‌شود؛ رویکردهایی که می‌خواهند با دستور و بخشنامه خواست خود را به مرحله اجرا گذارند و در این زمینه میان زنان و روحانیان فرقی قائل نیستند.

پی نوشت:

❖ البته شکاف «سنت/ مدرنیته» کلان‌تر از شکاف «دموکراسی/ آمریت» است.
اما با توجه به اهمیت نهاد دولت در جامعه ایران و مزوج شدن آن با مسائلی چون نفت و دین و نیز جنبش‌های سیاسی- اجتماعی متعدد در مسداله اخیر که در همه آنها مفید و محدود ساختن قدرت به عنوان یک خواست مطرح بوده، از این شکاف اندکی پایین‌تر از شکاف «سنت/ مدرنیته» به عنوان دیگر شکاف عمده جامعه ایران نام برده می‌شود.

علی حق : نشست شورای مرکزی جمعیت تولیدگرایان

با هدف بررسی وضعیت اقتصاد ایران در دوره روی کارآمدن دولت محمود احمدی‌نژاد و دورنمای آن عصر روز دوشنبه با سخنرانی میهمان ویژه این نشست، سیدصفدر حسینی برگزار شد.
در ابتدای جلسه شورای مرکزی جمعیت تولیدگرایان، علی ظفرزاده دبیرکل این جمعیت با ابراز نگرانی از اتخاذرویکرد صرفاًپوپولیستی توسط دولت در داخل و سیاست بحران‌زا در عرصه خارجی گفت: «در دوران ریاست‌جمهوری آقای خاتمی به دلیل پیروی از مشی تنش‌زدایی در روابط خارجی با انجام مذاکرات هسته‌ای هیچ‌گاه سخن از ارجاع پرورنده ایران به شورای امنیت به میان نیامد ولی در طول ۹ ماه گذشته ادبیات تند دستگاه دیپلماسی گذشته از ایجاد چالش‌های بین‌المللی، سطح سرمایه‌گذاری و همکاری‌های تجاری را به شدت کاهش داده است.»
وی افزود: «متأسفانه دولت همکاری خود با نخبگان را قطع کرده و بر این اساس بخشنامه‌ای همچون افزایش حداقل دستمزدهای سال جاری در تناقض آشکار با ماده ۴۱ قانون کار صادر می‌شود و به تبعیض در محیط کار دامن می‌زند. چرا که برای سه نوع کارگر، سه سطح متفاوت دستمزد تعیین شده است.»
ظفرزاده همچنین با انتقاد از کاهش دستوری نرخ سود تسهیلات بانکی، اعطای انحصار طرح‌های عمرانی به بسیج سازندگی که موجب اجحاف آشکار به بخش خصوصی شده، گفت: «برپایه این شواهد اقدام‌های اخیر دولت در تناقض آشکار با قانون برنامه چهارم توسعه و سند چشم‌انداز ۲۰ساله کشور است و روند حاضر به پیش‌بندت اقتصادی منجر خواهد شد.»
دبیرکل جمعیت تولیدگرایان سپس از صفدرحسینی وزیر کار و اقتصاد دولت محمد خاتمی خواست تا دیدگاه خود را در زمینه جمع‌بندی این جمعیت از وضعیت اقتصادی کشور ارائه کند.
وزیر امور اقتصادی و دارایی دولت خاتمی با ذکر این مقدمه اظهار داشت: «استدلال اساسی این است که راهبرد اقتصاد ایران در چند سال گذشته چه بوده و بر پایه کدام استراتژی قرار بود اقتصاد ایران به سمت توسعه حرکت کند؟
آقای خاتمی در بلو ورود به مسئولیت ریاست‌جمهوری به‌عنوان اولین گام از کلیه کارشناسان، صنعتگران و جناح‌های مختلف سیاسی نظرخواهی کرد که اقتصاد ایران دارای چه ویژگی‌هایی است و چه راهکارهایی برای اصلاح ساختار اقتصاد ایران وجود دارد.
جمع‌بندی عموم صاحب‌نظران اقتصادی و سیاسی این بود که اقتصاد ایران، اقتصادی دولتی، بسته، تک‌محصولی، متکی به نفت و غیررقابتی است.
شاید شرایط کشور بعد از انقلاب این

صاختر را ایجاب می‌کرد ولی به هر حال باید این ساختار اصلاح می‌شد.»
وی افزود: «اقتضای این اقتصاد فرسوده رشد پایین بود. به طوری که در دهه ۶۰ متوسط نرخ رشد اقتصاد ایران ۴/۲ درصد و در دهه ۷۰ این نرخ ۳/۲ درصد بود. بدیهی است با این رشد نمی‌شد به مقابله با فقر، کاهش نرخ بیکاری ۱۵ درصد، نرخ تورم ۱۸ درصد و نرخ رشد بهره‌وری صفردصدی در طول برنامه اول و دوم توسعه رفت.
همچنین میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی صفر بود، درآمد سرانه کشور پایین بود و تکنولوژی و صنعت کشور هم عموماً کهنه و فرسوده بود. پیش‌بینی‌ها هم ناامیدکننده بود. درآمد سرانه ایران، مالزی و کره جنوبی در سال ۲۰۰۰ میلادی به ترتیب ۵۹۰۰، ۸۳۰۰ و ۱۷۳۰۰ دلار بود که پیش‌بینی شده بود در سال ۲۰۱۰ میلادی درآمد سرانه این سه کشور به ترتیب به ۷۷۰۰، ۱۴هزار و ۲۹۵۰۰ دلار برسد. پس تصمیم‌گیری شد از این اقتصاد عبور کنیم.»
حسینی اظهار داشت: «در اینکه باید به چه اقتصادی برسیم هم، تفاهم شد تا حصول ساختار مطلوب اقتصادی باز و در تعامل با بازار جهانی، داناتی‌محور با محوریت بخش خصوصی به عنوان سیاست کلی نظام پیگیری شود. بنابراین دولت و مجلس ششم در تدوین برنامه سوم توسعه و لوائح مستقل اقتصادی اعم از اصلاح قانون مالیات‌ها، گمرک، سرمایه‌گذاری، بازار سرمایه، نوسازی صنایع خصوصی سازی این سیاست مدنظر قرار گرفت.
اصلاح ساختارهای پایه اقتصاد ایران با تأسیس حساب ذخیره ارزی برای تحرک بخشی به بخش خصوصی پیگیری شد.
همچنین قانون نظام جامع تأمین اجتماعی برای پوشش آسیب‌های اجتماعی این سیاست‌ها تدوین شد.»
عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت ایران اسلامی تأکید کرد: «با مجموعه این اصلاحات گزارش عملکرد و تحلیل برنامه سوم توسعه که توسط بانک مرکزی به دولت جدید ارائه شده نشان می‌دهد که برنامه سوم توسعه موفق‌ترین برنامه توسعه اجراشده در ایران بوده است.»
حسینی افزود: «در دولت اصلاح طلب جهت‌گیری‌های اقتصادی و سیاسی مبتنی بر احترام به حقوق مالکیت، سیاست خارجی فعال و برونگرابرای بسترسازی حضور کالاهای ایران و بخش خصوصی در بازارهای جهانی بود. به طوری که مناسبات بین‌المللی دولت در این دوره به عالی‌ترین سطوح رسید.
در بخش اجتماعی و فرهنگی هم اصل رقابت همواره رعایت شد.
پس از پیگیری این اصول و جهت‌گیری‌ها در طول اجرای برنامه پنج‌ساله

وزیر سابق اقتصاد با انتقاد از ریخت و پاش ارزی دولت:

دولت ۱۴ ماهه به اندازه ۵ سال قبل ارز نفتی مصرف می‌کند



وزیر امور اقتصادی و دارایی، امیر امیرلوی

سوم توسعه و ۸ سال حاکمیت اصلاح طلبان اقتصاد ایران در یک مرحله جدیدی قرار گرفت. با اتکا به این تجربه گام بلند بعدی که تهیه سند چشم‌انداز ۲۰ساله کشور بود تهیه شد. این سند بالاترین سند بالادستی در ایران است. بر مبنای اهداف این سند، برنامه چهارم توسعه تنظیم شد. «حسینی سپس به تحولات اقتصادی صورت گرفته در دوره روی کار آمدن دولت احمدی‌نژاد اشاره کرد و گفت: «سه سند و مشاهده را در دوره جدید ملاحظه و حکم کرد که آیا اقتصاد ایران به سمت اهداف برنامه چهارم توسعه و سند چشم‌انداز حرکت می‌کند یا نه؟ بر مبنای سند مالی دولت به نظر می‌رسد که نه تنها اصلاحات اقتصادی در کشور متوقف شده بلکه جهت‌گیری‌ها و مداخلات اقتصادی گسترده دولتی که تاکنون سابقه نداشته صورت می‌گیرد.»
وی در ارائه مصداق‌های این مداخله‌های بی‌سابقه گفت: «سابقه نداشته که تمام طرح‌های عمرانی به یک نهاد شبه‌دولتی آن هم به سمت اهداف چندم‌انداز ۲۰ساله حرکت نمی‌کند و دستیابی به رشد اقتصادی ۸ درصدی و کاهش نرخ تورم و بیکاری غیرممکن است. راهکارهای اقتصادی دولت هم به گونه‌ای است که اقتصاد ایران را به سمت دولتی شدن و دورانی که یک‌بار خسارت آن را پرداخته‌ایم پیش می‌برد.»

وزیر بازرگانی خبر داد:

خرید کالاهای اساسی را به بخش خصوصی واگذار می‌کنیم

در پاسخ اعلام کردند هیچ دستگاهی نمی‌تواند مستثنا باشد جز خریداران کالاهای ممنوعه و نظامی.
ایشان حتی ادوات نظامی همچون پوپتین را هم مشمول استثنا نشمردند.»
وزیر اقتصاد دولت خاتمی یادآور شد: «در جریان بحث‌های مربوط به این قانون آقای احمدی‌نژاد به عنوان شهردار تهران قصد داشتند تا شهرداری را از شمول این قانون خارج کنند که مورد موافقت اکثریت قاطع حاضرین قرار نگرفت.»
وی افزود: «گذشته از این کاهش نرخ سود بانکی و افزایش دستمزدها باید منطق اقتصادی داشته باشد اگر نداشته باشد نسخه خوبی برای بازار پول و کار نخواهد بود.»
حسینی در ادامه به انتقاد از مصارف ارزی بالای دولت پرداخت و گفت: «در برنامه چهارم توسعه ۲۳ میلیارد دلار مصرف ارزی در بودجه تصویب شد ولی در ۱۲ ماهه ۸۵ به اضافه دو ماه سال قبل با در نظر گرفتن تورم بودجه، دولت جدید ۶۰ میلیارد دلار مصرف ارزی برای خود لحاظ کرده است. یعنی به اندازه کل سال‌های اجرای برنامه پنج‌ساله سوم توسعه دولت جدید طی ۱۴ماه درآمدهای ارزی کشور را مصرف می‌کند. بر این اساس حجم نقدینگی کشور ۴۰درصد رشد می‌کند، هزینه‌های جاری دولت ۲۸درصد افزایش می‌یابد، ریسک اقتصادی به دلیل سیاست‌های داخلی و خارجی دولت بالا می‌رود.»
حسینی همچنین گفت: «در بخش کشاورزی هم دولت جدید تعریفه واردات را بی‌هیچ منطق دخور تأمل اقتصادی به صفر رسانده تا دیگر هیچ بازاریابی برای خرید محصول به سراغ باغداران و کشاورزان ایرانی نرود و فعالان بخش کشاورزی دچار زیان شوند. سپس دولت با پرداخت یارانه مجبور می‌شود این خسارت را جبران کند.»
حسینی گفت: «مجلس هفتم در سال پایانی ریاست‌جمهوری محمد خاتمی مجوز برداشت ۷ میلیارد دلار از این حساب را برای استفاده از بخش خصوصی صادر کرد ولی در ۶ ماه گذشته عملاً حساب ذخیره ارزی بی‌خاصیت شده است.»
عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت ایران اسلامی خاطرنشان کرد: «به طور کلی فضای فعلی کشور نشان می‌دهد که ایران به سمت اهداف چندم‌انداز ۲۰ساله حرکت نمی‌کند و دستیابی به رشد اقتصادی ۸ درصدی و کاهش نرخ تورم و بیکاری غیرممکن است. راهکارهای اقتصادی دولت هم به گونه‌ای است که اقتصاد ایران را به سمت دولتی شدن و دورانی که یک‌بار خسارت آن را پرداخته‌ایم پیش می‌برد.»

■ **پل ترکه‌ای ۲۲۴ متری**
در پروژه کنار گذر شوشتر آنچه پروژه را از سایر کارهای مشابه وزارت راه‌متمایز کرد احداث پل ترکه‌ای به طول ۲۲۴ متر در بخش میانی پل است.
پروژه کنار گذر شوشتر اما از لحاظ ابنیه ساخته شده در محور ۹/۷۰۰ کیلومتر راه اصلی و سه کیلومتر رهمپ و لوپ است.
در این محور حدود هزار و ۲۰۰ متر مربع ابنیه قی متوع از پل ۲۰ متری کانال رابوینو تا پل بزرگ شهیدبهرامی به طول ۶۷۴ متر روی رودخانه کارون است ضمن این‌که هفت دستگاه تقاطع هم‌سطح و غیر هم‌سطح در این مسیر مسجل شده است.
پل شهیدبهرامی با طراحی مهندسین مشاور هزار راه و توسط شرکت بند به عنوان پیمانکار اصلی ساخته شده.
اما در احداث شرکت به گفته گروهی مچری طرح‌های ساخت و توسعه شبکه راه شرکت بین‌المللی فرسند به عنوان تأمین‌کننده ملزومات اختصاصی بوده که در عین حال در جریان کار نصب ترکه‌ها به نظارت داشته است.
در گرسی در سخنرانی روز دوشنبه اما درباره برنامه‌های در دست اقدام گفت: در حال حاضر حدود ۵۵۰ کیلومتر راه در استان خوزستان در دست اقدام است که عملیات ۵۰درصد رونه اتمام است و به زودی به بهره‌برداری می‌رسد و در ضمن مطابق این برنامه تاکنون مطالعه ساخت ۲۰۰ کیلومتر بزرگراه در دست است که پس از پایان مطالعه برای ساخت واگذار می‌شود.

سال سوم ■ شماره ۷۵۰ *شرق*

گزارش خبری

از امروز آغاز به کار می‌کند

اجلاس شورای بازرگانی و صنعتی کشورهای حاشیه خزر

شرق: هشتمین دور اجلاس شورای بازرگانی و صنعتی کشورهای ساحلی دریای خزر از امروز آغاز به کار می‌کند.
این شورا میان ۵ کشور ایران، روسیه، قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان تشکیل شده است.
در حال حاضر ۱۶ اتاق بازرگانی مختلف در این شورا عضویت دارند و برای رشد و متعادل کردن تبادلات بازرگانی این منطقه تلاش می‌کنند.
در هشتمین اجلاس اتاق‌های بازرگانی رشت، ساری، گرگان، اردبیل و مشهد هم از ایران شرکت کرده‌اند.
مسئله‌های عسگراولادی رئیس اتاق ایران و روسیه در نشست مقدماتی اجلاس به باحضور جمعی از مسئولان دولتی ایران، سفیر روسیه و اعضای اتاق‌های کشورهای عضو تشکیل شد، گفت: «با توجه به روابط خوب سیاسی و همسایگی میان ایران و روسیه، حجم مبادلات ما قانع‌کننده نیست. از جمله دستورات این دور اجلاس در مشهد هم بررسی دلایل کم بودن حجم مبادلات نسبت به سطح روابط دو کشور است.»
وی افزود: «در سال ۲۰۰۵ حجم مبادلات ایران در روسیه دومیلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار بود که حجم صادرات ایران تنها ۱۰ تا ۱۵ درصد از این مبادلات را تشکیل می‌داد. من از بیان آمار صادرات ایران به روسیه درمندام و رقم آن را اعلام نمی‌کنم.»
وی ادامه داد: «در سال ۲۰۰۶ حجم سهم صادرات ایران تا حدی بهتر شده به طوری که در ۳ ماه اول سال ۲۰۰۶ صادرات ایران به ۳۵تا ۴۰درصد رسیده است.»
الکساندر سادونیکوف سفیر روسیه در ایران هم گفت: «با توجه به اینکه اجلاس بین‌المللی است و من تنها سفیر یک کشور هستم، نمی‌توانم رهنمودی به اجلاس بدهم. اما می‌توانم بگویم ظرفیت روابط تجاری میان ایران و روسیه به مراتب بیش از چیزی است که در حال حاضر جریان دارد. امیدوارم استان‌های روسیه هم فعال‌تر از قبل در تجارت با ایران مشارکت کنند.»
سپس شاطرزاده معاون اقتصادی و امور بین الملل وزارت صنایع که نمایندگی این وزارتخانه در اتاق ایران را هم برعهده دارد، گفت: «وزارت صنایع برای آسیای میانه و روسیه به عنوان بازار هدف، اهمیت خاصی قائل است.»
وی افزود: «با توجه به مشترکات فرهنگی بین ایران و کشورهای مشترک‌المنافع و مطالعات بازار، تبادلات بسیاری میان ایران و این کشورها وجود دارد. در ایران نیاز زیادی به مواد اولیه است که می‌توانیم آن را از طریق این کشورها مرتفع کنیم. همچنین بازار صادراتی خوبی هم برای محصولات ایران در کشورهای مشترک‌المنافع و روسیه وجود دارد. در چهار جمهوری کشورهای مشترک‌المنافع خط مونتاژ خودرو ایجاد کردیم. کارخانجاتی از قبیل اتوبوس، مینی‌بوس و تراکتور.»
وی خاطرنشان کرد: «ظرفیت‌ها و شرایط ایران و کشورهای مذکور این امکان را فراهم کرده که روابط تجاری به بیش از ۱۰ میلیارد دلار افزایش یابد.»
وی همچنین افزود: «برای بسیاری از اقلام می‌توانیم، محصولات کشورهای مشترک‌المنافع و روسیه را جایگزین مشابه غربی آن کنیم.»

■ **مخالفت فرهاد رهبر با تبدیل حساب ذخیره ارزی به صندوق**
فارس: رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی گفت: با تبدیل حساب ذخیره‌ارزی به صندوق مخالقم.
فرهادرهبر در حاشیه مراسم معارفه رئیس جدید مرکز آمار ایران درخصوص تبدیل حساب ذخیره ارزی به صندوق که در دستور کار نمایندگان مجلس قرار دارد، اظهار داشت: این طرح توسط نمایندگان مجلس مطرح شده است و نشان‌دهنده در زمان بررسی طرح در مجلس حضور یافته و نظر خود را اعلام می‌کند.
فرهاد رهبر در بیان مدیریت و برنامه‌ریزی با این طرح را اعلام کرد، اما توضیح بیشتری نداد.
رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی درخصوص اولویت‌بندی طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی بیان اینکه پس از آن برای پروژه‌های غیرضروری برنامه‌ریزی می‌شد، افزود: بنا به دلایلی این بند از تبصره ۱۹ حذف شد اما کار را به صورت غیررسمی تعقیب کردیم و لیست پروژه‌های مهم آماده شده است.»
وی تصریح کرد: البته ممکن است این لیست ویژگی‌ای را که باید دارا باشد نداشته باشد.
وی ابراز امیدواری کرد با تفاهمی که سازمان مدیریت با دستگاه‌های اجرایی و نمایندگان مجلس خواهد داشت، برنامه‌ای که سازمان به بند ۲ از تبصره ۱۹ دنبال می‌کند را پیگیری کند.
فرهاد رهبر در پاسخ به پرسش خبرنگران فارس درخصوص انحلال سازمان ملی بهره‌وری نیز یادآور شد: مرکز ملی بهره‌وری تشکیل شده است، اما آیا باید مرکز بهره‌وری سازمانی ساز و کار خاص خود را دارد و اگر با نظارت‌های سازمان مدیریت و تخصیص منابع، مشکلاتی در اجرای پروژه‌ها و انجام امور وجود دارد برطرف شود، بهره‌وری افزایش پیدا خواهد کرد.
وی گفت: سازمان یک شرکت دولتی منحل شده بود الان در قالب یک مرکز تشکیل شده و مجدد کار خود را در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور آغاز می‌کند.
وی گفت: این مرکز یک مرکز حاکمیتی است و قرار است تصدی‌گری را به نهادهای غیردولتی واگذار کند.